



قلات موت‌آباد پیرانشهر: گاه‌نگاری، سازمان فضایی، فرم و عملکرد با اتکاء به مطالعات باستان‌شناسانه

^I حسن کریمیان

^{II} حامید نورسی

^{III} فرید احمدزاده

^{IV} طاهر ابوبکری

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۲۸ - ۲۱۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۱
شناسه دیجیتال (DOI): 10.66224/PJAS.5.15.213

چکیده

محوطه تاریخی قلات موت‌آباد در منطقه پیرانشهر به لحاظ مستندات متعدد تاریخی و فرهنگی از قبیل: آثار سفالی، بقایای معماری، آجری و به خصوص از جهت نقشه معماری بسیار حائز اهمیت است. وجود نقشه موسوم به «ستاره‌ای» در طراحی حصار بیرونی محوطه، بیانگر اهمیت و نقش محوری این محوطه در دشت پیرانشهر است. این محوطه در جوار یکی از شعب رودخانه زاب کوچک قرار گرفته است که در اثر گذر زمان، استفاده از آن به عنوان پایگاه نظامی در دوره معاصر و حفاران قاچاق به تدریج تخریب شده است و هم‌اکنون شواهد آوار معماری در سطح محوطه قابل مشاهده است. نمونه‌هایی از طراحی نقشه ستاره‌ای شکل در نقاط مختلف ایران و هم‌چنین قلعه‌های اروپایی قابل مشاهده، و از این حیث با نقشه قلات موت‌آباد قابل مقایسه است. مسأله اصلی این نوشتار، بررسی این محوطه با تکیه بر مدارک و شواهد موجود است تا ضمن دستیابی به یک تاریخ‌گذاری نسبی محوطه، اهمیت ساختارهای نظامی در دشت پیرانشهر را مورد مطالعه قرار گیرد؛ بنابراین پرسش‌هایی مطرح است: ۱- بنای قلات موت‌آباد متعلق به چه دوره زمانی، و دارای چه ساختار و نقشه‌ای است؟ ۲- قلات موت‌آباد پیرانشهر به لحاظ فرم و ساختار معماری دارای چه ویژگی و کارکردی است؟ بر این اساس، نتایج تحقیق با توجه به مطالعه منابع مکتوب تاریخی، مقایسه نمونه‌های مشابه و هم‌چنین آثار مادی در سطح محوطه، می‌توان بیان کرد که محوطه در دوره صفویه، افشار یا اوایل قاجار، با نقشه‌ای موسوم به ستاره‌ای شکل، با کارکرد و عملکردی نظامی و الهام گرفتن از عناصر معماری غربی بنا شده است. روش تحقیق پژوهش حاضر تاریخی، توصیفی-تحلیلی است و جمع‌آوری یافته‌ها با مطالعه منابع تاریخی، مستندنگاری میدانی و تحلیل تصاویر هوایی و داده‌های حاصل از آن فراهم شده است.

کلیدواژگان: قلات موت‌آباد، شکل و ساختار معماری، نقشه ستاره‌ای شکل، پیرانشهر.

I. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

II. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
haamid.norasi@ut.ac.ir

III. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

IV. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

ویژگی خاص جغرافیایی سرزمین ایران و قرار گرفتن در مسیر عبور گروه‌های مختلف انسانی باعث شده است تا ساکنان این منطقه به صورت دائمی برای حفاظت از خود نگاه ویژه‌ای را به استحکامات دفاعی داشته باشند؛ در این میان، شاید بتوان گفت احداث انواع قلعه‌ها بیش از سایر الگوهای دفاعی مورد توجه بوده است. گستردگی مرزهای جغرافیایی ایران، شرایطی را پدید آورده است که کارگزاران نظامی را به سمت احداث قلعه‌های متعدد سرحدی رهنمون می‌ساخت. از دوره صفویه به بعد، وجود منازعات دائمی در مرزهای غربی، باعث شد تا برای حفاظت از مناطق مرزی در ساخت و مرمت قلعه‌ها و دژها کوشا باشند. بر این اساس منطقه پیرانشهر در شمال غربی ایران از دوره صفوی به بعد و در اثر رویارویی دو قدرت عثمانی و صفوی در مقابل یکدیگر، صحنه کشمکش و صف‌آرایی میان طرفین بوده است. در این منطقه، محوطه قلات موت‌آباد با مساحت ۱۶۵۰ متر در فاصله ۱۵ کیلومتری از گذرگاه مرزی تمرچین و در جنوب رودخانه گول‌آوه (یکی از شعب رودخانه زاب کوچک) قرار گرفته است. نقشه محوطه به صورت ستاره‌ای شکل و مشرف به گذرگاه‌های مرزی است. محوطه قلات موت‌آباد از نظر نقشه معماری و محل قرارگیری قابل توجه و شایسته مطالعه و بررسی است. با توجه به موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در مرزهای طبیعی و سیاسی به نظر می‌رسد محوطه قلات موت‌آباد به عنوان یک قلعه و پایگاه نظامی در جهت دفع حملات از سوی حکومت عثمانی و یا دفع شورش‌های محلی ساخته شده است و از نقطه نظر معماری با قلعه‌هایی که بیشتر به سبک اروپایی در دوره بعد از صفویه «افشاریه یا قاجار» ساخته شده‌اند، هم‌دوره باشد. از جمله این قلعه‌ها می‌توان به: کهنه قلعه کرمانشاه، قلعه اهر، قلعه اردبیل، قلعه خوی و... اشاره کرد. لازم به ذکر است که با توجه به شرایط محیطی و هم‌چنین گستردگی محوطه قلات موت‌آباد، براساس یافته‌های فرهنگی اطراف محوطه، ممکن است در دوران مختلف تاریخی مورد استفاده قرار گرفته باشد؛ بنابراین تمرکز این پژوهش بر یافته‌ها و شواهد سطحی و هم‌چنین نقشه محوطه به جامانده از دوران اسلامی است.

ضرورت و اهداف پژوهش: با توجه به اهمیت خاص قلعه‌ها در طول تاریخ حکومت‌های مختلف و وجود این قلعه در یک منطقه مهم و راهبردی و گسترش روزافزون عوامل تخریب‌کننده این گونه بناها، این ضرورت ایجاد شد که ضمن معرفی و شناخت قلات موت‌آباد و با توجه به کمبود اطلاعات تاریخی و باستان‌شناختی دوران اسلامی در دشت پیرانشهر، به این پژوهش بپردازیم. هدف اصلی این نوشتار، مطالعه و بررسی قلات موت‌آباد از نظر مستندات باستان‌شناختی، مطالعه محوطه از جهت نقشه معماری، مقایسه نقشه ستاره‌ای شکل آن با دیگر قلعه‌ها و هم‌چنین مطالعه مدارک و شواهد تاریخی در جهت تبیین و تاریخ‌گذاری این محوطه است.

پرسش‌های پژوهش: پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- بنای قلات موت‌آباد متعلق به چه دوره زمانی، و دارای چه ساختار و نقشه‌ای است؟ ۲- قلات موت‌آباد پیرانشهر به لحاظ شکل و ساختار معماری دارای چه ویژگی و کارکردی است؟ فرضیه اصلی تحقیق این است که می‌توان براساس مواد فرهنگی به دست آمده و هم‌چنین مقایسه نقشه قلات موت‌آباد با دیگر نقشه‌های مشابه، قلات موت‌آباد را متعلق به قرون متأخر اسلامی و دوره افشاریه یا قاجاریه دانست.

روش پژوهش: روش تحقیق پژوهش حاضر تاریخی، توصیفی-تحلیلی است و یافته‌ها با مطالعه منابع تاریخی، مستندنگاری میدانی و تحلیل تصاویر هوایی و داده‌های حاصل از آن فراهم شده است.

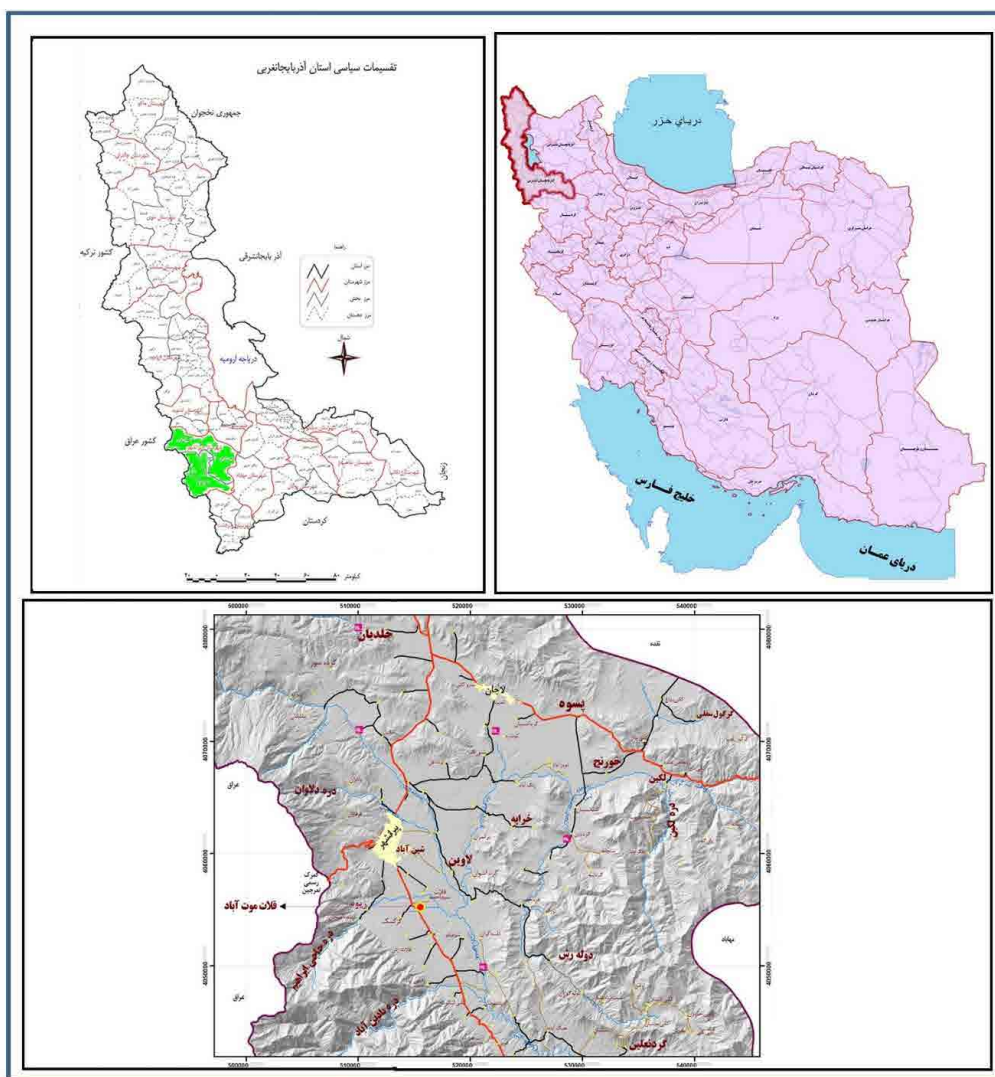
پیشینه پژوهش

محوطه تاریخی قلات موت‌آباد برای اولین بار در دوره قاجار و در کتاب عکس علی خان والی با زیرنوشته «ساجبلان قلعه موت‌آباد لایجان که خرابه شده» عکاسی شده و مورد اشاره قرار گرفته است. در عکس «علی خان والی»، جزئیات بسیار دقیقی از حصار، برج‌ها دیوارهای قلعه، خانه‌های مسکونی و هم‌چنین

سیاه‌چادرهای عشایر در سطح محوطه دیده می‌شود (Ali-Khan Vali, 1862-1900: 183). پس از آن در سال ۱۳۴۵ ه.ش.، در بررسی‌های باستان‌شناسی وقت، قلات موت‌آباد با شماره ثبتی ۶۱۱ مورد ثبت ملی قرار می‌گیرد. در بررسی‌های مذکور قدمت محوطه ۲۵۰۰ پ.م.، عنوان شده است (پرونده ثبتی قلات موت‌آباد، ۱۳۴۵: ۱). در بررسی‌های باستان‌شناختی کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۱ ه.ش.، به سرپرستی «ابراهیم خرازی» قلات موت‌آباد مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرد و این بار با عنوان تپه قلعه موت با شماره ثبتی ۷۵۲۶ مجدداً مورد ثبت ملی قرار می‌گیرد. قدمت محوطه در بررسی مذکور، تاریخی-اسلامی عنوان شده است و ایشان ضمن اشاره به بقایای معماری آجری و کوره‌های موجود در سطح محوطه، بر اهمیت قلات موت‌آباد تأکید دارد (خرازی، ۱۳۸۱: ۲). در بررسی‌های «علی بیننده» جهت انجام پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «بررسی باستان‌شناختی رودخانه زاب کوچک»، ضمن بررسی و مطالعه محوطه قلات موت‌آباد، آن را به دوره مفرغ، تاریخی و اسلامی منسوب می‌داند (بیننده، ۱۳۸۷: ۷۳). در زمینه مطالعه محوطه‌های ستاره‌ای شکل و دارای ساختار هندسی منظم، پیش از این در کتاب اسناد تصویری شهرهای ایرانی در دوره قاجار، با مطالعه نقشه‌های قدیمی به جامانده از شهرهای مختلف ایران، به مطالعه بعضی از بناها و محوطه‌ها با ساختار منظم و مستندنگاری آن‌ها پرداخته شده است (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۴). «ابراهیم زارعی» و «مریم دهقان» مطالعه‌ای درمورد محوطه کهنه قلعه کرمانشاه داشته‌اند که طی یک مقاله به مطالعه نقشه‌های ستاره‌ای شکل و مقایسه نمونه‌های مشابه پرداخته‌اند (زارعی و دهقان، ۱۳۹۸: ۲۱۹). با توجه به اهمیت بناها و محوطه‌های کهنی که دارای نقشه‌های منظم و ستاره‌ای شکل در مطالعات باستان‌شناختی و تاریخی مناطق مختلف هستند، قلات موت‌آباد نیز با داشتن نقشه ستاره‌ای شکل شایسته مطالعات بیشتر است.

موقعیت جغرافیایی محوطه قلات موت‌آباد

پیرانشهر یکی از شهرستان‌های آذربایجان غربی در شمال غربی ایران است. این شهرستان از جهت شمال به نرده و اشنویه، از جنوب به سردشت، از شرق به مهاباد و از غرب به کشور عراق محدود است. شهرستان پیرانشهر به سبب همجواری با مرز عراق و نزدیکی به خاک ترکیه، از ویژگی‌های مهم نظامی برخوردار است (نصیری هندخاله و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰). محوطه قلات موت‌آباد براساس سامانه جغرافیایی UTM در مختصات: E 515086.00 و N 4055600.00 قرار گرفته است (تصویر ۱). ارتفاع متوسط محوطه از سطح آب‌های آزاد ۱۴۰۸ متر و ارتفاع بلندترین نقطه محوطه از سطح زمین‌های اطراف ۱۶ متر است. جاده اصلی و آسفالت پیرانشهر به سردشت در فاصله ۱۵۰ متری غرب محوطه قرار گرفته است و شهر پیرانشهر در ۴ کیلومتری شمال محوطه واقع است. رودخانه گول‌آوه (یکی از شعب رودخانه زاب کوچک) در فاصله ۲۷۰ متری شمال محوطه قرار گرفته است و نزدیک‌ترین روستا به محوطه، روستای قلات سیداحمد در ۱ کیلومتری شرق محوطه است. محوطه قلات موت‌آباد در مرکز دشت پیرانشهر قرار گرفته و با توجه به گذرگاه‌های مرزی و دره‌های مشرف به عراق، دارای تسلط کافی به تمام راه‌ها و گذرگاه‌های ارتباطی است. مهم‌ترین گذرگاه مرزی پیرانشهر از دیرباز تاکنون، گذرگاه طبیعی تمرچین است که محوطه قلات موت‌آباد در فاصله ۵ کیلومتری شرق این گذرگاه قرار گرفته است و مرز کنونی و رسمی ایران با کردستان عراق در فاصله ۱۰ کیلومتری قلات موت‌آباد واقع شده است. رودخانه زاب کوچک به عنوان یکی از مهم‌ترین عوارض محیطی در دشت پیرانشهر از بلندی‌های جنوب غربی ارومیه به نام «چم‌لارین» سرچشمه گرفته، و پس از پیوستن شاخه‌های متعدد و گذر از گذرگاه کوهستانی و پرشیب آلان در خاک ایران، وارد کشور عراق می‌شود. از آنجایی که حوضه زاب در مسیر بادهای باران‌آور است، پوشش گیاهی به صورت جنگل تنک و متراکم اعم از جنگل بلوط، اُرس و گاه پسته وحشی، بادام و گز است، و هرچه از غرب به شرق حرکت کنیم، با توجه به میزان بارش‌ها، از تراکم گیاهی و جنگلی کاسته می‌شود (خضری، ۱۳۷۹: ۲۳-۱۷).



تصویر ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی قلات موت آباد به نسبت تقسیمات سیاسی (نگارندگان، ۱۳۹۹).

پیرانشهر و قلات موت آباد در منابع مکتوب

در منابع مکتوب و اسناد تاریخی دوران اسلامی، جغرافی دانان و سیاحان به صورت متعدد از رودخانه زاب کوچک و محل قرارگیری آن به عنوان سرشاخه های رودخانه فرات یاد کرده اند. از جمله این جغرافی دانان «ابن خردادبه» (قرن سوم هجری قمری) در کتاب المسالک و الممالک (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۷) و «ابن رسته» (قرن سوم هجری قمری) در کتاب الاعلاق النفیسه است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۰۲). مؤلف اشکال العالم بدون آن که در متن به زاب اشاره کند، در کروکی ترسیمی خود تحت عنوان جزیره، رودخانه زاب کوچک را به صورت خطی ترسیم نموده است (جیهانی، ۱۳۶۸). «ابن حوقل» (قرن چهارم هجری قمری) ضمن آوردن اسم های شهرزور و سهرودار، اسم زاب کوچک را مطرح می کند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۸۲). «یاقوت حموی» (۶۲۴-۵۷۴ هجری قمری) و در معجم البلدان در باب زاب کوچک توضیحاتی آمده است (حموی بغدادی، ۱۳۸۳: ۱۲۴). «حمدالله مستوفی» آورده است: باب دهم ذکر بقاع کردستان و آن شانزده ولایت است و حدودش بولایات عراق عرب و خوزستان و عراق عجم و آذربایجان و دیاربکر پیوسته است. خفتیان قلعه ای است محکم و بر کنار آب زاب و چند پاره دیه است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۰۷). صاحب تقویم البلدان (قرن هفتم هجری قمری) در ذیل سخنی از رودها آورده است: زاب اصغر، سرچشمه آن کوه های شهر زور است میان اربل و دقوقا جاری است و به

دجله می‌ریزد (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۷۵). در کتاب جغرافیای تاریخی، سرزمین‌های خلافت شرقی به نقل از یاقوت حموی (قرن هفتم هجری قمری) و حمدالله مستوفی (قرن هفت و هشت هجری قمری) از شهر پسوا یاد شده است که در پنجاه میلی جنوب دریاچه ارومیه قرار دارد و از باغستان‌های پرمیوه آن تمجید شده است (لسترچ، ۱۳۷۷: ۱۷۷). در اسناد و کتب تاریخی بعد از دوره صفویه، به‌کرات از جنگ‌ها و منازعات سیاسی-نظامی و دست‌به‌دست شدن منطقه پیرانشهر با اسم «لایجان» که محل اسکان و قلمرو «اتحادیه ایلی بلباس» است، نقل کرده‌اند. کتاب شرفنامه بدلیسی از دوره صفویه اسم بلباس را ضبط کرده و از آن به عنوان یکی از طوائف روژکی یاد کرده است (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۴۶۷). طبق کتاب شرفنامه بدلیسی قدرت و جمعیت بلباس‌ها در حدی بوده است که شاه سلیمان قانونی، پادشاه مقتدر عثمانی توان مقابله با آن‌ها را نداشته و برای تصرف منطقه بدلیس، مجبور به سازش با بلباس‌ها می‌شود (همان: ۴۷۱). ازجمله مهم‌ترین این اسناد می‌توان به کتاب تاریخ عباسی اشاره نمود که در عهد «شاه عباس اول» نگاشته شده است. در این کتاب در ذیل عنوان «اما برخی وقایع در کردستان» به شرح حمله نیروهای اتحادیه ایلی بلباس پرداخته شده و در این کتاب از واژه «بلیان» استفاده شده، که صحیح نیست و بیان کرده که با ریاست «ابراهیم بیگ» به قلعه دمدم ارومیه و تلاش نیروهای قزلباش و حاکم ساوجبلاغ مکرری در جهت انتقام‌گیری از آن‌ها می‌پردازد (منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۴۳۳-۴۳۱). کتاب مهم دیگر در مورد مسائل و اتفاقات شمال غرب ایران از دوره صفوی به بعد، کتاب تاریخ افشار است. در این کتاب وقایع و منازعات بسیاری که پس از ورود ایل افشار به ناحیه ارومیه و شمال غرب ایران رخ می‌دهد، شرح داده شده است. کتاب تاریخ افشار در موارد متعددی به شرح احوال و جنگ‌های رخ داده در منطقه شهرستان پیرانشهر با اسم منطقه «لایجان» و مردمانی متشکل از سه طائفه منگور، مامش و پیران که اتحادیه ایلی بلباس را به وجود می‌آورده‌اند، پرداخته شده است (ادیب‌الشعرا، ۱۳۴۵: ۶۷، ۷۹، ۸۳ و ۱۶۷). صاحب حدیقه ناصریه در زمان قاجار در بعضی از صفحات به زاب و شهرهای اطراف اشاره می‌کند، اما در مورد سرچشمه آن که آن را کوهی میان بانه و سقر می‌داند، اشتباه می‌کند و تردید دارد (وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۶۴: ۸۱).

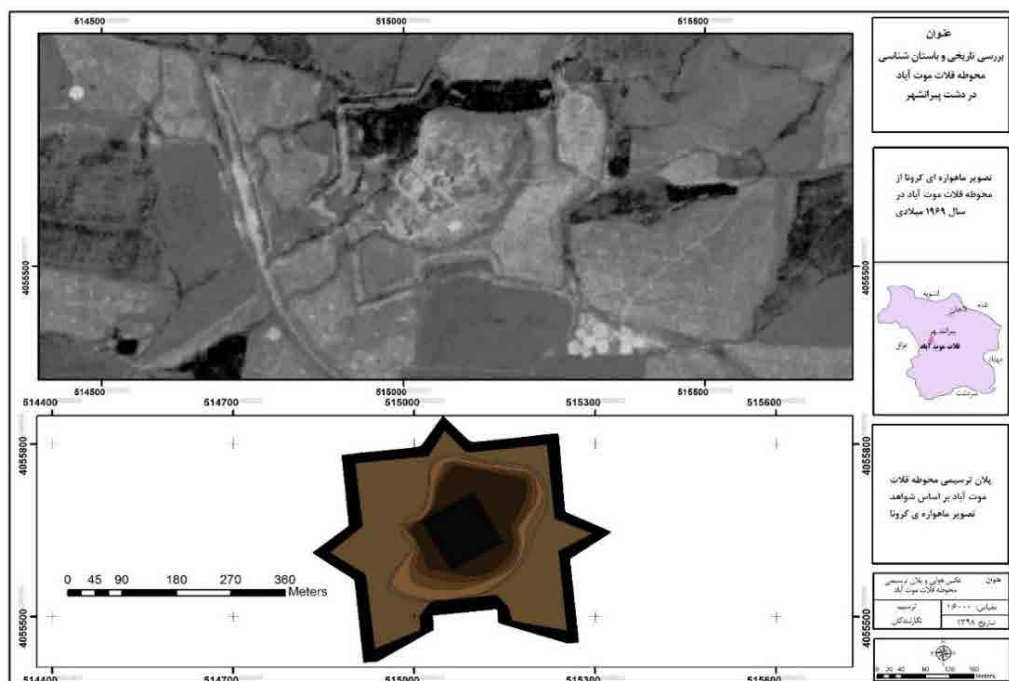
درباب ریشه‌یابی «موت‌آباد» و این‌که چرا این اسم را بر روی این قلعه گذاشته‌اند، هیچ شاهد تاریخی در میان کتب تاریخی و حتی هنگام مصاحبه با اهالی بومی به دست نیامد؛ اما آن‌چه شایان ذکر است، این است که در زیر عکس ثبت شده از علی خان والی در دوره قاجار از واژه قلعه موت‌آباد استفاده شده است. این سند تاریخی علاوه بر اثبات قلعه بودن محوطه، ثابت می‌کند که اسم موت‌آباد جدیداً بر این محوطه اطلاق نشده و دارای ریشه تاریخی و قدیمی است (Ali-Khan Vali, 1862-1900: 183). آن‌چه برای معنی قلات موت‌آباد می‌توان متصور شد، نام‌گذاری این محوطه پس از افول و تخریب آن بوده که از آن به عنوان یک محل مرده و خراب شده یاد شده است. طبق مدارک و شواهد تا قبل از انقلاب اسلامی ایران در دامنه جنوبی و غربی محوطه، روستایی به اسم موت‌آباد وجود داشته است که پس از استفاده به عنوان پایگاه نظامی جدید در سال ۱۳۵۷ ه.ش، روستا تخلیه شده است (بیننده، ۱۳۸۷: ۷۳).

قلات موت‌آباد

(الف)- شکل و ساختار معماری محوطه: محوطه قلات موت‌آباد هم‌اکنون با مشکلات عدیده‌ای ازجمله استفاده از محوطه به عنوان پایگاه نظامی تا چند سال اخیر، هجوم کارگاه‌های صنعتی در عرصه و حریم محوطه، گسترش فعالیت‌های کشاورزی، ساخت خانه‌باغ‌ها و هم‌چنین فعالیت‌های حفاران غیرمجاز روبه‌رو بوده است. مشکلات فوق باعث شده است محوطه، ساختار معماری و هویت اصلی خود را از دست بدهد (تصویر ۳). برای مطالعه دقیق و هم‌چنین شناخت بهتر لازم است ابتدا با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای سال ۱۹۶۹ م، که توسط ماهواره کرونا ثبت شده‌اند، محوطه و ساختار معماری آن مورد مطالعه قرار گیرد؛ سپس با استفاده از یکی از تصاویر کتاب علی خان والی که در دوره

«ناصرالدین‌شاه» قاجار ثبت شده است، به مطالعه دقیق‌تر محوطه و شواهد معماری آن پرداخته شود.

در تصاویر ماهواره کرونا، محوطه دارای دو بخش حصار بیرونی با نقشه ستاره‌ای شکل و بخش داخلی محوطه به صورت یک پشته با بستر طبیعی قابل مشاهده است. از نظر تناسب هندسی، حصار بیرونی محوطه به صورت یک مربع کامل، با طول هر ضلع ۳۵۰ متر است که در میانه اضلاع نقشه مربع شکل محوطه، پره‌های مثلثی شکل از نوع مثلث متساوی‌الاضلاع در سه جهت اصلی شمالی، غربی و شرقی وجود دارند. اندازه هر ضلع از پره‌های مثلثی شکل ۸۰ متر است. در ضلع جنوبی محوطه به نظر می‌رسد به جای پره مثلثی شکل، دروازه ورودی به قلعه وجود داشته است که به صورت یک تورفتگی قابل مشاهده است. با توجه به توپوگرافی محوطه و مسطح بودن ضلع جنوبی، احتمال وجود دروازه ورودی قلات موت‌آباد به نظر می‌رسد، صحیح و قابل اتکا باشد. براساس تصویر موجود از ماهواره کرونا و اندازه‌گیری ضخامت دیوار حصار بیرونی در اضلاع مختلف قلعه، می‌توان ضخامتی در حدود ۱۰ متر برای دیوار در نظر گرفت که با حاشیه‌های بیرونی و داخلی دیوار این اندازه به حدود ۱۵ متر می‌رسد. مساحت کلی محوطه ۱۶۵۰ مترمربع است. در فضای داخلی محوطه، یک تپه با بستر طبیعی وجود دارد (تصویر ۲). در برش‌های حفاری غیرمجاز انجام‌شده بر سطح محوطه، ضخامت لایه‌های باستانی آشفته تا حدود ۲ متر قابل مشاهده است. براساس تصویر ماهواره کرونا، یک محدوده تقریباً مربع شکل مشکوک به آثار معماری در بالای پشته طبیعی وسط محوطه مشاهده می‌شود. این فضای مربع شکل در راستای جهت‌های اصلی جغرافیایی و حصار بیرونی محوطه نیست.



تصویر ۲. نقشه قلات موت‌آباد و تصویر ماهواره‌ای کرونا از محوطه قلات موت‌آباد در سال ۱۳۹۹ م. (نگارندگان، ۱۳۹۹).

تصاویر ماهواره‌ای، از سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ م. نشانگر وضعیت محوطه، حصار بیرونی قلعه، آثار پایگاه نظامی و هم‌چنین روند تخریب آن است. علاوه بر ساخت پایگاه نظامی، گسترش زمین‌های کشاورزی، مجوز ساخت و ساز خانه‌باغ‌ها، مجوز احداث دو کارگاه صنعتی در عرصه محوطه از جانب کارشناسان وزارت میراث فرهنگی صادر شده است (تصویر ۳).



تصویر ۳. تصاویر ماهواره‌ای از روند تغییرات محوطه قلات موت‌آباد طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ م. (نگارندگان، ۱۳۹۹).

علی‌خان والی که در دوره‌ای حکمرانی بر ساوجبلاغ مکری «مهاباد امروزی» را برعهده داشته است (نظری، ۱۳۸۸: ۲۱). در این دوره با سفر به مناطق مختلف ایران و عکاسی از بناها و مراسمات، اثر ارزشمندی از خود به جا گذاشته است که در همین حین، وی عکسی از محوطه قلات موت‌آباد ثبت کرده است که اطلاعات دقیق‌تری از محوطه نسبت به آثار برجامانده امروزی ارائه می‌کند. براساس دیباچه کتاب علی‌خان والی، تصاویر در میانه سال‌های ۱۸۷۹ تا ۱۹۰۰ م. و در دوره حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار گرفته شده‌اند و سپس به ناصرالدین‌شاه تقدیم شده است.

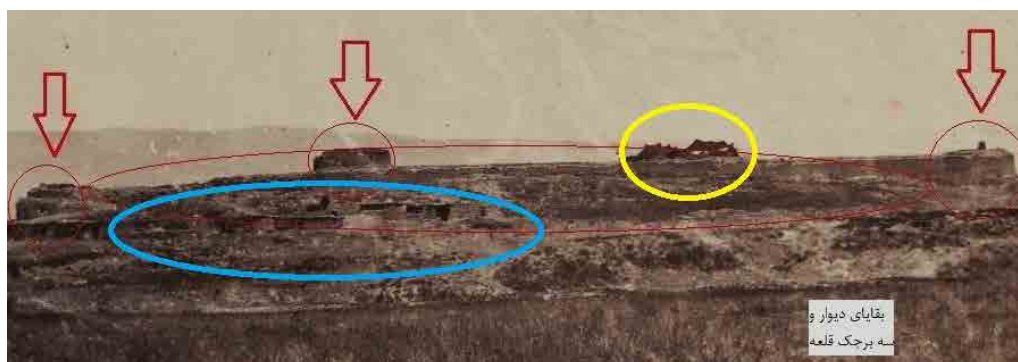
در وهله نخست می‌توان به بقایای وجود حصار بیرونی قلعه «نقشه ستاره‌ای شکل» در عکس علی‌خان والی اشاره کرد، که به صورت پشته‌ای از خاک قابل مشاهده است. با توجه به عدم وجود بقایای معماری سنگی و آجری در محدوده نقشه ستاره‌ای شکل و همچنین وجود پشته خاکریز در عکس علی‌خان والی می‌توان ادعا کرد، حصار بیرونی قلعه از خشت یا چینه بوده است؛ با توجه به عدم ضرورت حفر کانال یا خندق به صورت ستاره‌ای شکل و همچنین وجود اختلاف سطح در نواحی زاویه دار امروزی به صورت پشته، تنها دلیل قابل اتکا، وجود حصار خشتی یا چینه‌ای است. این حصار طی گذر زمان از بین رفته است و هم‌اکنون به صورت پشته‌ای یک متری در ضلع شمالی محوطه قابل مشاهده است.

در عکس علی‌خان والی می‌توان به بقایای دیوار و برجک‌های قلعه در بالای محوطه اشاره کرد. بقایای سه برجک مدور با ارتفاع قابل ملاحظه‌ای از سطح زمین‌های اطراف قابل مشاهده است. با توجه به ارتفاع غیرهم‌سان برجک‌های قابل مشاهده در عکس و همچنین اشاره علی‌خان والی در زیرنویس عکس به خرابه بودن قلعه، می‌توان اذعان کرد که قلعه در اواسط دوره قاجار و زمان ثبت عکس، به صورت یک قلعه تخریب شده درآمده است. علاوه بر آثار و شواهد معماری و قلعه مخروبه در عکس علی‌خان والی، می‌توان به آثار معماری و بناهایی در دامنه و بالای محوطه اشاره نمود. با توجه به بقایای به جامانده از دیوارهای آجری و آثار معماری در ضلع غربی محوطه، احتمالاً تصویر ثبت شده از علی‌خان والی از جهت غربی محوطه بوده است. آثار معماری موجود در این بخش از محوطه احتمالاً جزئی از فضاهای کاربردی قلعه بوده که در دوره‌های بعد مورد استفاده قرار گرفته



تصویر ۴. عکس علی خان والی از قلات موت آباد با زیرنویس «ساوجبلاغ قلعه موت آباد لایجان که خرابه شده» (علی خان والی، ۱۲۸۱: ۱۳۸).

است. چه بسا روستایی که گویا در حاشیه محوطه مزبور وجود داشته است و پس از انقلاب اسلامی به دلیل استفاده نظامی از محوطه، تخلیه شده است؛ در همین بخش از محوطه قرار می‌گرفته است. هم‌چنین در سطح بالای محوطه و در میان آثار قلعه ویران‌شده، آثار زندگی عشایری به صورت سیاه‌چادر قابل مشاهده است (تصویر ۵).

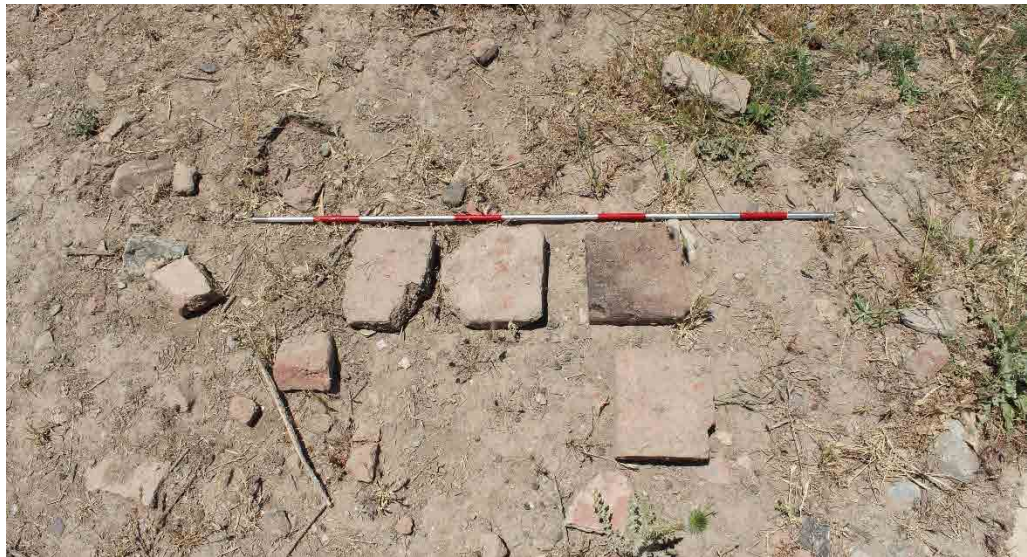


تصویر ۵. بقایای دیوار و برجک‌های قلعه موت آباد (علی خان والی، ۱۲۸۱: ۱۳۸).

ب) یافته‌ها و شواهد باستان‌شناختی: آثار و شواهد باستان‌شناختی محوطه قلات موت آباد به دو دسته زیر قابل دسته‌بندی هستند:

۱. آثار و شواهد معماری؛
۲. یافته‌های باستان‌شناختی شامل بقایای سفالی.

۱. **آثار و شواهد معماری:** در سطح محوطه و درمیان حصار بیرونی قلعه به دلیل استفاده از فضای آن به عنوان پایگاه نظامی و خاکبرداری‌های متعدد، هیچ‌گونه آثار معماری به جز قطعات پراکنده آجرهای شکسته و سالم تاریخی قابل مشاهده نیست (تصویر ۶). در دامنه غربی محوطه، آثار و شواهد دیوارهای آجری به همراه آثار سوختگی در برش بعضی از خاکبرداری‌ها قابل مشاهده است (تصویر ۷). آثار و شواهد حصار بیرونی قلعه در اکثر نقاط از بین رفته است؛ اما در ضلع شمالی محوطه، آثار حصار بیرونی به صورت یک خط راست و پره مثلثی شکل در میانه آن قابل مشاهده است و هم‌اکنون بقایای حصار بیرونی، به صورت پشته‌ای با ارتفاع یک متری از سطح زمین‌های اطراف قابل تفکیک است. نکته قابل توجه در مورد حصار بیرونی قلعه، استفاده از آن به عنوان خط تفکیک زمین‌های کشاورزی است (جدول ۱).



تصویر ۶. آثار و شواهد آجرهای تاریخی در سطح محوطه قلات موت‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۹).



تصویر ۷. آثار و شواهد دیوار آجری در ضلع غربی محوطه قلات موت‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۹).

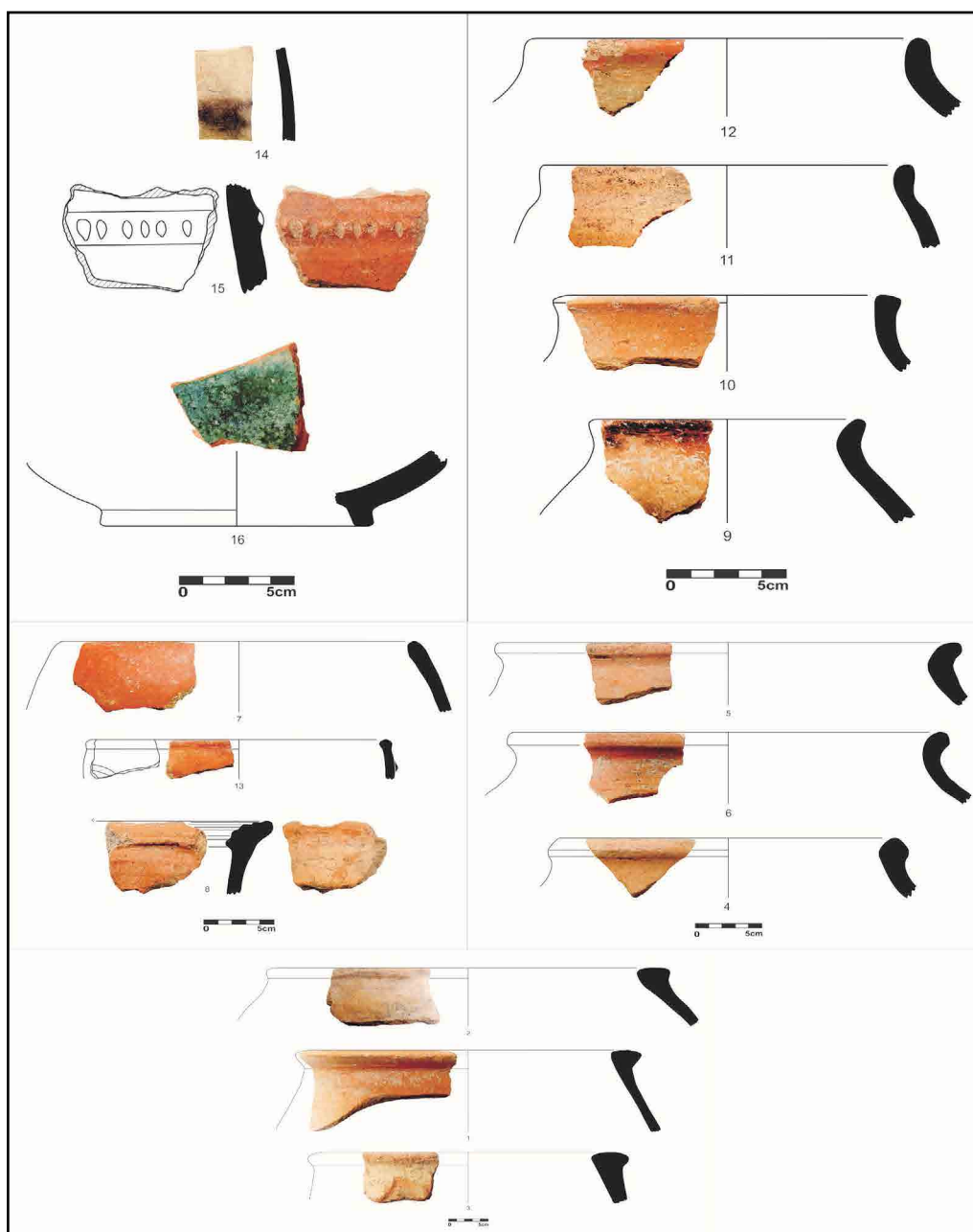
جدول ۱. وضعیت فعلی محوطه قلات موت‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شرح موقعیت تصاویر	تصویر
آثار به جا مانده از دیوار حصار بیرونی به صورت مرز زمین‌های کشاورزی در ضلع شمالی	
آثار به جا مانده از دیوار حصار بیرونی به صورت مرز زمین‌های کشاورزی، دید از شمال شرقی	
برش خاکبرداری از ضلع شرقی محوطه	
تصویر وضعیت فعلی سطح محوطه	

۲. یافته‌های باستان‌شناختی شامل بقایای سفالی: با توجه به میزان تخریب محوطه و هم‌چنین عدم وجود سند تاریخی مکتوب برای منسوب کردن محوطه قلات موت‌آباد به یک دوره زمانی مشخص، یافته‌های باستان‌شناختی همانند بقایای سفالی می‌تواند در تاریخ‌گذاری نسبی محوطه، کمک شایانی کند؛ اما در بررسی‌های سطحی محوطه، آثار سفالی زیادی قابل مشاهده نبود و پس از جمع‌آوری قطعات سفالی سعی شد تا قطعات شاخص همانند لبه، کف و سفال‌های دارای نقوش تزئینی و لعاب‌دار برای مطالعه انتخاب شوند. در پایان تعداد ۱۶ قطعه سفال جهت مطالعه سفالی انتخاب شدند. با توجه به مطالعات صورت‌گرفته بر روی بقایای سفالی، نمی‌توان تاریخ‌گذاری دقیق و یا نسبی براساس بقایای سفالی ارائه نمود. مطالعه بقایای سفالی نشان‌دهنده سفال‌های غیرشاخصی است که دارای فرم‌های عمومی هستند و این سفال‌ها با توجه به شاخصه‌های آن‌ها، قابلیت ساخت و به‌کارگیری در دوره‌های مختلف تاریخی را دارند؛ هرچند براساس مقایسه‌های سفالی صورت‌گرفته با محوطه‌های شاخص شمال غرب ایران که مورد کاوش علمی قرار گرفته‌اند و نتایج آن‌ها تا حدودی منتشر شده است، می‌توان برای تعدادی از قطعات سفالی، تاریخ‌گذاری نسبی ارائه کرد که چندان قابل اطمینان نیستند. برای نمونه می‌توان قطعه ۱۶ که شامل یک کف لعاب‌دار است را با نمونه‌های به‌دست‌آمده از حسنلو در دوره ایلخانی مقایسه کرد (Danti, 2004: 47). نمونه‌های مشابه قطعه سفال شماره ۸ در کاوش‌های زندان سلیمان به‌دست آمده است (Thomalsky, 2006: 266). سایر قطعات سفالی بسیار ساده بوده و احتمال استفاده از این نوع سفال‌ها در ادوار مختلف تاریخی و قرون متمادی اسلامی وجود دارد. برهمین مبنا، نمی‌توان براساس نتایج حاصل از مطالعات سفالی، نظری قطعی درمورد تاریخ‌نگاری دقیق محوطه ارائه نمود؛ در عین حال، با توجه به گستردگی محوطه و هم‌چنین وجود شرایط مساعد طبیعی در این ناحیه، احتمال آن وجود دارد که سطح محوطه یا بخش‌هایی از آن در ادوار مختلف تاریخی مورد استفاده قرار گرفته باشد. وجود شواهد معماری ستاره‌ای شکل و عکس تاریخی محوطه، در دوره قاجار به نظر منابع دست اول و دقیق‌تری برای گاه‌نگاری نسبی محوطه محسوب می‌شوند.

بحث و تحلیل

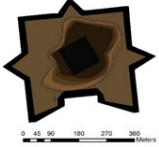
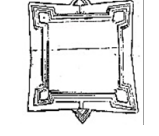
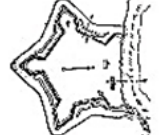
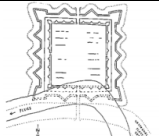
در زمینه ساخت شهرها، بناها و قلعه‌ها با ساختار معماری ستاره‌ای شکل، اسناد کهنی که به صورت دقیق به مطالعه در این زمینه پرداخته باشد، وجود ندارد. با توجه به مستندات موجود، شکل‌گیری و ساخت شهرها و قلعه‌ها با ساختارهای منظم هندسی در دوره‌های متأخر اسلامی در ایران و سایر نواحی پیرامون ایران را می‌توان نشأت‌گرفته از سبک‌های اروپایی دانست. نظر به استفاده از سلاح‌های جدید و سنگین همانند توپ، امکان حمل‌ونقل آسان به ارتفاعات را که تا پیش از این، بیشتر استحکامات نظامی تاریخ ایران در آنجا واقع بود، به‌سادگی میسر نمی‌کرد؛ بر همین اساس، ساخت قلعه‌ها و استحکامات نظامی در دشت‌ها و مناطق با دسترسی آسان آغاز گشت. نخستین قلعه‌های موسوم به «قلعه ستاره‌ای» در قرن ۱۵ م.، در ایتالیا ساخته شد و پس از آن به مدت سه قرن در نقاط مختلف جهان، به‌ویژه در اروپا به‌کار گرفته شدند. به‌منظور اهمیت مکان‌گزینی در جهت دفاع و لزوم به‌کارگیری توپ و دقت در نشانه‌گیری، در ساخت این قلعه‌ها از اصول هندسی پیروی شده است. دیوارها به صورت کوتاه و ضخیم که در اغلب موارد از خشت ساخته می‌شدند و استحکامات سه‌گوشه از ویژگی‌های شاخص این قلعه‌ها به‌شمار می‌آیند که پوشش بهتر آتش توپخانه را میسر می‌سازد. در قرن ۱۹ م.، با ابداع گلوله‌های آتشین، قلعه‌های ستاره‌ای کاربری چندانی نداشته و ساخت آن‌ها متوقف شد. نمونه‌هایی از این نوع قلعه‌ها در ایران شناسایی شده که قلعه پرتقالی‌ها در جزیره هرمز، قلعه هلندی‌ها در جزیره خارک، قلعه‌کهنه کرمانشاه، قلعه آستارا، قلعه اردبیل، قلعه خوی، قلعه اهر و قلعه لنکران در مرز ایران و جمهوری آذربایجان، از آن جمله هستند (زارعی و دهقان، ۱۳۹۸: ۲۱۷؛ Kleiss, 1980: 167-176؛ مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۲۳-۱۲۰). مطالعه و بررسی قلعه‌ها و محوطه‌های دارای نقشه منظم (ستاره‌ای شکل) و زمان ساخت آن‌ها می‌تواند کمک شایانی در جهت



تصویر ۸. عکس و طرح یافته‌های سفالی محوطه قلات موت‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شناسایی بازه زمانی این ساختارهای معماری کند. کلایس، ساخت قلعه‌کهنه کرمانشاه را در بازه زمانی قرن ۱۷ م.، به معمار فرانسوی «سباستین لو پرتز دو ووبن» نسبت می‌دهد (Kleiss, 1980: 176)؛ درحالی‌که ژنرال «گاردان» در اوایل قرن ۱۹ م.، اقدام به طراحی قلعه خوی و اردبیل در جهت کمک به نظام آموزش در ارتش قاجار می‌کند (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۸ و ۴۲؛ زارعی و دهقان، ۱۳۹۸: ۲۱۷). البته در دوره قاجار، قلعه‌سازی جزو علم توپخانه به‌شمار می‌آمد و جزئیات آن در دارالفنون و قورخانه سلطنتی تدریس می‌شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۴۱). در تحقیقات جدید بر روی بنای قلعه‌کهنه کرمانشاه، براساس شواهد تاریخی و باستان‌شناسی، این بنا را به دوره افشار نسبت داده‌اند (زارعی و دهقان، ۱۳۹۸: ۲۱۸). نمونه قلعه‌هایی که دارای ساختار منظم هندسی و نقشه ستاره‌ای شکل هستند، توسط زارعی و دهقان مورد دسته‌بندی قرار گرفته‌اند که در طی جدولی معرفی خواهد شد (جدول ۲).

جدول ۲. جدول مقایسه قلعه‌های دارای پلان منظم و ستاره‌ای شکل (نگارندگان، ۱۳۹۹).

نام قلعه	زمان ساخت	شکل پلان	تصویر پلان	توضیحات
قلات موت‌آباد	صفویه تا افشار	ستاره‌ای شکل		این قلعه با توجه به نوع پلان و مقایسه با سایر قلعه‌ها احتمالاً متعلق به دوران افشار یا اوایل قاجار باشد (نگارندگان، ۱۳۹۹)
قلعه هرمز	قرن ۱۶ م.	چهار گوشه		این قلعه یکی از مجموعه آثار پرتغالی‌ها در خلیج فارس و نخستین قلعه اروپایی ایران است (Kleiss, 1980: 169)
قلعه خارک	قرن ۱۸ م.	چهار گوشه منتظم		قلعه خارک که نام موسلشتاین نیز شناخته می‌شود توسط هلندی‌ها ساخته شد (Kleiss, 1980: 177)
قلعه خوی	قرن ۱۹ م.	چهار گوشه		قلعه خوی در زمینی مسطح با دیوارهای خشتی بنا شده است (زارعی و دهقان، ۱۳۹۸: ۲۱۸؛ مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۸).
قلعه اردبیل	قرن ۱۹ م.	چهار گوشه منتظم		به موازات رودخانه‌ی بالیخی جای بنا شده و خندق عمیقی دارد (زارعی و دهقان، ۱۳۹۸: ۲۱۸؛ مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۴)
قلعه اهر	قرن ۱۹ م.	چهار گوشه منتظم		ولفرام کلایس این قلعه را با قلعه کهنه مقایسه کرده است (Kleiss, 1982: 390).
قلعه آستارا	قرن ۱۹ م.	پنج گوشه		این قلعه به نظر می‌رسد هرگز کامل نشده در کنار رودخانه آستارا بنا شده و خندق دارد (زارعی و دهقان، ۱۳۹۸: ۲۱۸؛ مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۶۸).
قلعه لنکران	قرن ۱۹ م.	پنج گوشه		قلعه شبیه قلعه آستارا بوده، در کنار رودخانه بنا شده و خندق داشته است (زارعی و دهقان، ۱۳۹۸: ۲۱۸؛ مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۶۸)
کهنه قلعه کرمانشاه	صفویه، زندیه	چهار گوشه		این قلعه به صورت مستطیل با جان پناه‌هایی ساخته شده است (زارعی و دهقان، ۱۳۹۸: ۲۱۸؛ Kleiss, 1980: 177)
قلعه جافنا سریلانکا	قرن ۱۷ م.	پنج گوشه		این قلعه توسط پرتغالی‌ها ساخته شد و پس از آن به اشغال هلندی‌ها و انگلیسی‌ها درآمد (www.wdl.org)

همان‌گونه‌که اشاره شد، یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت قلات موت‌آباد، موقعیت برج‌ها و خطوط دیوارها است که با فاصله معین و منظم محاسبه شده است. مکان‌یابی و ایجاد این برجک‌های منظم، نشانگر اهمیت این بنا در منطقه بوده است. با استناد به متون جغرافیای تاریخی و منابع مکتوب کهن، اهمیت دشت پیرانشهر و گذرگاه‌های منتهی به آن در سطح منطقه به‌صورت روشن نمایان است؛ هرچند وضعیت طبیعی و اقلیمی منطقه هم مؤید این نظر است. در بررسی‌های باستان‌شناختی این قلعه علاوه بر آثار و بقایای معماری که در بالا تشریح شد، قطعات سفالی نیز به‌صورت پراکنده به‌دست آمده و مورد مطالعه قرار گرفتند. مشخصات سفال‌های به‌دست‌آمده بیشتر قطعات چرخ‌ساز، به‌صورت پخت کافی و با خمیرۀ خاکستری و قهوه‌ای روشن هستند. براساس مطالعات صورت‌گرفته برروی یافته‌های سفالی به‌دست‌آمده از قلات موت‌آباد، سفال‌های این محوطه را نمی‌توان به‌صورت دقیق با سفال‌های شاخص به‌دست‌آمده از دیگر محوطه‌های مطالعه‌شده مقایسه کرد و تاریخ‌گذاری نسبی ارائه داد، اما این مسأله به‌دلیل عدم استفاده از این‌گونه اشیاء نبوده؛ بلکه در اثر گذشت زمان، ویرانی، تخلیه و تغییر کاربری این محوطه مهم، این آثار کمتر در سطح محوطه مشاهده می‌شود. بنابراین انجام بررسی روش‌مند و هم‌چنین کاوش باستان‌شناسی، می‌تواند نتایج مطلوب‌تری را در این زمینه در پی داشته باشد. با توجه به مشخصات محوطه و شاخصه‌های زیستی که در این منطقه وجود دارد، این امکان را می‌توان مدنظر قرار داد که سطح محوطه یا پیرامون آن دارای قدمت به‌مراتب قدیمی‌تر از قلعه ساخته‌شده برروی آن باشد. اما با توجه به وجود نقشه‌های مشابه و هم‌چنین عکس دوره قاجار از قلات موت‌آباد، آن‌چه واضح و مشخص است، وجود قلعه‌ای با ساختار منظم و نقشه ستاره‌ای شکل در دوران متأخر اسلامی است.

نتیجه‌گیری

مطالعات تاریخی و باستان‌شناسانه نشان‌دهنده آن است که ساخت بناهایی که در تاریخ ایران از آن‌ها به‌عنوان قلعه یاد می‌شود، تقریباً در تمام دوره‌های تاریخی حائز اهمیت و کاربرد بوده است. همان‌گونه‌که در متن اشاره شد، به‌دلیل شرایط جغرافیایی فلات ایران و قرار گرفتن آن در مسیر عبور و تهاجمات مکرر مهاجمان برون منطقه‌ای، استفاده از قلعه در ادوار مختلف تاریخ ایران رایج بوده است. منطقه پیرانشهر به‌دلیل دارا بودن استعدادهای زیست‌محیطی و هم‌چنین قرار گرفتن در نوار مرزی فلات ایران، در معرض تهاجمات مکرر عثمانی‌ها در این ناحیه بوده؛ بنابراین الگوی ساخت و مرمت قلعه‌ها را در سرلوحه برنامه‌های کارگزاران حکومتی قرار داده است. یکی از با اهمیت‌ترین این قلاع در منطقه پیرانشهر، قلات موت‌آباد است، که در یک منطقه مهم و راهبردی قرار دارد. نامشخص بودن زمان ساخت قلعه و نقشه منظم و مستحکم باقی‌مانده از بنا، ایجاب کرد که به مطالعه و بررسی بیشتر شکل، ساختار معماری و نقشه قلعه مزبور پرداخته شود. با بررسی‌های میدانی و شناسایی منابع مکتوب کهن و تاریخ محلی به نتایجی دست‌یافتیم که تاحدودی می‌توان تاریخ ساخت و کارکرد بنا را مشخص و روشن ساخت. نظر به وجود یافته‌های سفالی و آثار معماری در سطح محوطه قلات موت‌آباد و عدم تاریخ‌گذاری دقیق این یافته‌ها به‌دلیل ساده و محلی بودن آن‌ها، نمی‌توان به‌نظر قطعی براساس یافته‌های سفالی رسید. با توجه به‌وجود تصاویر ماهواره کرونا، سالم‌ماندن نقشه ستاره‌ای شکل قلات موت‌آباد، وجود عکس از دوره قاجار و خطاب شدن آن به اسم قلعه و سالم بودن قسمت‌هایی از دیوار، برجک‌ها و هم‌چنین آثار معماری در عکس مذکور، می‌توان گفت از زمان تخریب قلعه مدت زیادی سپری نشده است؛ بر همین مبنا با مطالعات تطبیقی، وضعیت زمین‌سیمای محل قرارگیری و هم‌چنین وجود نمونه‌های مشابه از قلعه‌های نظامی با نقشه‌های منظم و ستاره‌ای شکل در ادوار صفویه، افشاریه یا قاجاریه که با الهام گرفتن از عناصر اروپایی ساخته شده‌اند، می‌توان گفت به‌دلیل اهمیت منطقه مرزی پیرانشهر، طی دوره صفویه و حضور حکومت عثمانی و جنگ‌ها و کشمکش‌های سیاسی میان این قدرت‌ها، ایجاد بنای

مستحکم با نقشه منظم با کارکرد نظامی-دفاعی لازم و ضروری بوده است. بر این اساس و با توجه به تهیه عکس قلعه موت‌آباد در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار، که بنای قلعه خراب بوده است، می‌توان به طور صریح زمان ساخت قلات موت‌آباد را به دوره صفویه، افشاریه یا اوایل قاجار منتسب دانست. لازم به ذکر است که پیشنهاد می‌شود برای انجام مطالعات دقیق‌تر و شناخت جزئیات بیشتر، در آینده بر سطح این محوطه و به خصوص بنای قلعه، مطالعات باستان‌شناسی به صورت بررسی‌های روش‌مند و کاوش باستان‌شناختی انجام شود.

پی‌نوشت

۱- در زبان کُردی به این محوطه «قلات موت‌آوا» گفته می‌شود. واژه «قلات» در زبان کُردی به معنای همان «قلعه» است و واژه «آوا» به معنی «آباد» در فارسی است. به نظر می‌رسد موت‌آباد مرکب از دو کلمه موت + آباد به وجود آمده باشد که مقصود از کلمه آباد به معنی (از پهلوی آباتان، شاید مرکب از آو + پاته) عامر. عامره. معمر. معمره. مزروع. آبادان. مسکون است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۴). موت نیز گرفته شده از ریشه عربی این واژه به معنی مرده، در قید حیات نبودن، مرگ ناگهانی و معانی متعدد دیگر ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۹۲۱۲).

کتابنامه

- ابن حوقل، (۱۳۶۶). سفرنامه ایران در صورة الارض. ترجمه جعفر شعار. چاپ دوم، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، (۱۳۷۰). المسالك و الممالك. ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: نشر نو.
- ابن رسته، احمد ابن عمر، (۱۳۶۵). الاعلاق النفیسه. ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی، (۱۳۴۹). تقویم البلدان. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ادیب‌الشعرا، میرزارشید، (۱۳۴۵). تاریخ افشار. به‌کوشش: محمود رامیان و پرویز شهریاری‌افشار، ارومیه: شورای مرکزی جشن ملی ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی.
- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین، (۱۳۴۳). شرف‌نامه، تاریخ مفصل کردستان. به‌کوشش: محمد عباسی، تهران: چاپ افست.
- بی‌نا، (۱۳۴۵). «پرونده ثبتی تپه باستانی قلات موت‌آباد». اداره کل باستان‌شناسی و فرهنگ عامه، (منتشر نشده).
- بیننده، علی، (۱۳۸۷). «بررسی باستان‌شناسی حوضه رودخانه زاب کوچک». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- منجم‌یزدی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال. ترجمه سیف‌الله وحیدنیا، تهران: نشر وحید.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، (۱۳۶۸). اشکال‌العالم. ترجمه علی بن عبدالسلام، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حموی بغدادی، یاقوت، (۱۳۸۰). معجم البلدان. ترجمه علینقی منزوی، تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی.
- خرازی، ابراهیم، (۱۳۸۱). «پرونده ثبتی محوطه تپه قلات موت‌آباد». ارومیه: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی (منتشر نشده).
- خضری، سعید، (۱۳۷۹). جغرافیای طبیعی کردستان مکریان با تأکید بر حوضه زاب. تهران: نشر ناقوس.

- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا. زیر نظر: جعفر شهیدی، محمد معین و گروهی از نویسندگان، جلد ۱، تهران: روزنه.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. زیر نظر: جعفر شهیدی، محمد معین و گروهی از نویسندگان، جلد ۱۳، تهران: روزنه.
- زارعی، محمدابرهیم؛ و دهقان، مریم، (۱۳۹۸). «بررسی تاریخی و باستان شناختی قلعه کهنه کرمانشاه». پژوهش های باستان شناسی ایران، شماره ۲۱، دوره ۹، تابستان، صص: ۲۲۵-۲۰۹.
- لسترنج، گی، (۱۳۶۷). جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی: بین النهرین، ایران و آسیای مرکزی از زمان فتوحات مسلمین تا ایام تیمور. ترجمه محمود عرفان، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- مستوفی، حمدالل، ه (۱۳۶۲). نزهة القلوب. به اهتمام: گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
- مهریار، محمد؛ فتح الله یف، شامیل؛ فخارتهرانی، فرهاد؛ و قدیری، بهرام، (۱۳۷۸). اسناد تصویری شهرهای ایرانی: دوره قاجاریه. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور.
- نصیری هندخاله، اسماعیل؛ جلالیان، اسحاق؛ و گنجی، نسرين، (۱۳۹۶). «بررسی احساس امنیت اجتماعی در شهرهای مرزی (مطالعه موردی: شهر پیرانشهر)». علوم و فنون مرزی، سال هشتم، شماره ۳، صص: ۱۴۸-۱۲۹.
- نظری، فرهاد، (۱۳۸۸). «کتاب عکس علی خان والی». گلستان هنر، شماره ۱۵، صص: ۳۵-۲۱.
- وقایع نگار کردستانی، علی اکبر، (۱۳۶۴). حقیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کردستان. تصحیح: محمدرئوف توکلی، تهران: چاپخانه ارژنگ.

- Ali-Khan Vali., (1862-1900). *Album of photographs by Ali Khan Vali. Qajar*. Fine Arts Library. Harvard University. Accessed: 03 December 2020

- Danti, M., (2004). *The Ilkhanid Heartland, Hasanlu Tepe (Iran) Period I. Hasanlu Excavation Reports II*. University Museum Monograph 120 (Philadelphia: University of Pennsylvania Museum).

- Kleiss, W., (1980). "Europäische Befestigungarchitektur In Iran. Von 16. Bis Zum 19. Jahrhundert". *AMI*, No. 13, Pp: 167-178.

- Kleiss, W., (1982). "Eine Bastionsfestung Südlich Ahar in Ost Aebaidjan". *AMI*, No. 13, Pp: 67-83.

- Thomalsky, V. J., (2006). "Die eisenzeitliche Keramik von Zendān-e Soleimān in Iranisch-Azarbāijān". *AMI*, No. 38, Pp: 219-289.

- (www.wdl.org)